



### مشروطیت مدل غلط برای آینده

سام قندچی

مدل مشروطیت برای نگرش به تحول آینده ایران باعث شده است که جنبش سیاسی و روشنفکری ایران در سالهای اخیر مهمترین جنبش های اجتماعی این سالها در ایران را که از سوی اقلیتهای قومی و مذهبی و زنان در جامعه ایران برای دگرگون کردن بنیادین سیستم حکومتگری در ایران در جریان است، یا نادیده بگیرد و یا آنها را به غلط به سطح درخواست برای رفع تبعیض نظیر آنچه در جوامعی که دولتمندان مدرن بوده ولی در آن تبعیض وجود داشته است، نظیر آمریکا و آفریقای جنوبی، تنزل دهد، و در نتیجه نه تنها اهمیت این جنبش های اجتماعی برای دگرگونی بنیادین ساختار دولت را درک نکند بلکه به این جنبش ها با نگاه سوء ظن نگرسته و آنها را به این و آن نیروی خارجی منتسب کند و به این طریق هم آوای رژیم جمهوری اسلامی شود. جنبش چند روز گذشته در آذربایجان ایران تازه ترین مورد از این خیزش ها در ایران است. چرا مشروطیت مدل غلطی برای نگرش به تحول آینده ایران است؟

جنبش مشروطیت ایران دستاوردهای عظیمی داشته است ولیکن اهداف جنبش 20 ساله اخیر در ایران از اساس با اهداف مشروطیت متفاوت است. مشروطیت ادامه مبارزه برای ایجاد عدالتخانه در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود که جنبشی بود برای \*دموکراتیزه کردن\* نهادهای موجود در جامعه ایران و بویژه نهادهای قدرت. اگر این مبارزه در زمان ناصرالدین شاه، اساساً از طریق اصلاح طلبانه، بوسیله کسانی نظیر امیر کبیر طرح شد، در دوران مشروطیت همان اهداف از طریق انقلابی مطرح شدند. اهداف جنبش چه در زمان امیر کبیر و چه در زمان مشروطیت \*مترقی\* بودند، هرچند در اولی بصورت رفرمیستی و در دومی بصورت انقلابی مطرح شدند. با این حال در هر دو حالت اساساً اهداف جنبش به دموکراتیزه کردن شکل موجود حکومتگری در ایران محدود بود.

این واقعیت که مشروطیت اهدافش دموکراتیزه کردن شکل موجود حکومتگری در ایران بود نه تنها در قبول سلطنت و تعدیل آن بوسیله مشروطه کردن آن بیان میشد بلکه همچنین در قبول حضور روحانیت در قدرت هرچند به شکل جدید و توی پنج مجتهد در قانون اساسی 1906 که شیعه را مذهب رسمی میخواند، بیان میشد. حتی مجلس شورای ملی که نهاد جدیدی برای حکومتگری در ایران بود چارچوب عدالت خانه دوران ناصرالدین شاه را نشکسته و فقط آنرا دموکراتیزه تر کرد و در سطح کل جامعه نیز برای مقابله با قرن ها اقتدار دولت مرکزی انجمن های ایالتی و ولایتی پیشنهاد شد که هدفش دموکراتیزه کردن در عین حفظ حکومت متمرکز موجود بود. یا مثلاً قبول شیعه به عنوان مذهب رسمی در قانون اساسی به سادگی معنی اش این بود که مردم میتوانند چهار زن داشته باشند و زن نمیتواند چهار شوهر داشته باشد و در نتیجه دموکراتیزه کردن حقوق زنان در این مدل آشکارا در درون ساختار مدرن نبوده بلکه دموکراتیزه کردن در درون ساختار کهن بود و معنایش ایجاد ساختار مدرن سکولار نبود.

به همین علت آنهایی که در آن زمان خواهان تحولی فراسوی شکل موجود حکومتگری در ایران بودند، و مثلاً خواهان جمهوری بودند، خود را رادیکال یا انقلابی میخواندند، هرچند رفرمیست یا انقلابی بودن همانطور که قبلاً توضیح دادم [http://www.ghandchi.com/249-ReactionaryReformism.htm] به روش کار است و در واقع امیر کبیر رفرمیست و ستارخان انقلابی هر دو یک هدف مترقی را دنبال میکردند و آنهم دموکراتیزه کردن شکل موجود حکومتگری در ایران بود. البته رفتن فراسوی شکل موجود حکومتگری و در پی تغییر بنیادین آن شدن، یعنی آینده نگری برای ایران در فراسوی شکل موجود حکومتگری، چه در میان رفرمیست ها و چه در میان انقلابیون، در اندیشه های برخی متفکرین آندوران وجود داشت، هرچند در عرصه سیاست آنقدر اهمیت نیافت. در واقع مسأله مرکزی سیاسی بین ترقی و تحجر در چارچوب شکل موجود حکومتگری در ایران بود و صف بندی ها هم به آنگونه بودند، یعنی دموکراتیزه کردن نهادهای قدرت و سیستم حکومتی موجود از سوی مشروطه طلبان در برابر آنها که میخواستند سیستم دولتی استبدادی را

حفظ کنند، و بالاخره هم این صف بندی با به توپ بستن مجلس توسط محمد علی شاه برای یک قرن بمثابة صف بندی اصلی سیاسی بر اندیشه سیاسی جامعه ایران حک شد.

نیروهای اسلامگرا در انقلاب 1357 ایران که مفصلاً درباره آن قبلاً بحث کرده ام [http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm] اسلامی کردن کل جامعه ایران را هدف قرار دادند و در نتیجه در مقابل هدف ترقی خواهی که انقلاب مشروطیت و اصلاح طلبان پیش از آن نظیر امیر کبیر بدنبالش بودند، عمل کردند، و جامعه ایران را به عقب بردند. ولیکن اینان نیز اساساً شکل موجود حکومتگری در ایران را دست نخورده نگهداشتند، هر چند بر عکس مشروطه خواهان که در پی ترقی دادن دولت بودند، اسلامگرایان در پی به عقب بردن آن گام برداشتند، و قانون اساسی جمهوری اسلامی چه در عرصه قوه مجریه، چه قضائیه و چه مقننه ضد مدرنیسم است.

در بیست و چند سال بعد از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی، اکثریت جنبش روشنفکری و سیاسی ایران که بحق دیده اند چگونه ترقی خواهی در ایران انقلاب 57 فدا شد [http://www.ghandchi.com/352-taraghikhahi.htm]، و در مقابله با این عقب گرد تاریخی، به آرمانهای جنبش مشروطه برگشته اند. ولیکن امروز دیگر آن آرمانها نه تنها کافی نیستند بلکه حتی باعث شده اند که مهمترین جنبش های اجتماعی که در ایران کنونی در حال تکوین هستند، و نتیجه مستقیم رشد گلوبالیسم میباشند، به غلط بعنوان دسیسه بیگانگان برداشت شوند.

در واقع در سالهای اخیر دیدگاهی که در پی دموکراتیزه کردن شکل موجود حکومتگری در ایران است محدود به اصلاح طلبان مذهبی نبوده و از سلطنت طلبان تا جبهه ملی تا چپی ها و چپی های سابق را هم در بر میگیرد. مثلاً تا سالها همه این نیروها با طرح سکولاریسم کامل مخالفت میکردند. منظورم فقط اصلاح طلبان مذهبی نیست که خواهان دموکراتیزه کردن جمهوری اسلامی بودند، بلکه بقیه این نیروها هم میگفتند که بایستی آپارتاید و تبعیض مذهبی حذف شود، و با سکولاریسم مخالفت میکردند و به جای آن مبارزه با آپارتاید را مینشانند گویی ما در ایران با دولتی مدرن با ساختار و قوانین مدرن سر و کار داریم که فقط ادامه تبعیض در آن مسأله است که بایستی تضحیح شود و نه آنکه کل سیستم حکومتگری ایران قرون وسطایی است. مثلاً اینکه اسلام برای مرد چهار زن را اجازه میدهد و برای زن یک شوهر، دیگر مثل مسأله سنگسار موضوع تفسیر نیست، و حذف تبعیض جنسی یعنی مخالفت کردن کامل با اسلام در حکومت، چه بشکل قانون مشروطه و چه بشکل قانون جمهوری اسلامی، یعنی پذیرش سکولاریسم کامل. بالاخره پس از سالها مبارزه در این عرصه، اکثریت نیروهای سیاسی ایران امروز دفاع از سکولاریسم کامل را پذیرفته اند.

مسأله ای که سالهاست بروشنی خود را بیان کرده است سیستم حکومت متمرکز در ایران است. دوباره دموکراتیزه کردن نظیر طرح انجمن های ایالتی و ولایتی، از سوی اکثریت نیروهای سیاسی مختلف، از اصلاح طلبان مذهبی تا سلطنت طلبان تا جبهه ملی تا چپی ها و چپ سابق طرح شده است. دوباره اصل سیستم حکومت متمرکز یعنی تصمیم نهائی اینکه قاضی و فرماندار در هر شهر چه کسی باشد با دولت مرکزی است و دست نخورده میماند.

**دوباره حرف زدن از حکومت های ایالتی به کفر گویی تلقی میشود و هر که چنین بگوید را با برچسب تجزیه طلب و عامل بیگانگان خطاب میکنند تا که مرعوب شود و خفه شود.**

آیا بیگانگان در ایران از جریانات تجزیه طلب دفاع کرده اند؟ در زمانهای برخی دولت های خارجی از حکومت متمرکز در ایران دفاع کرده اند و در زمانهای دیگر و یا برخی دولت های دیگر از عدم تمرکز پشتیبانی کرده اند. ولیکن این امر باعث درستی یا غلطی چنین تصمیمی از سوی نیروهای ملی نیست. مثلاً در پیش از پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه، انگلستان اساساً خواهان دولت مقتدر در ایران نبود. اما پس از پیروزی انقلاب اکتبر تا زمان جنگ جهانی دوم از وجود یک دولت مقتدر در ایران برای مقابله با نفوذ شوروی پشتیبانی میکرد، و درست در زمان جنگ جهانی که با شوروی در برابر آلمان متحد شد، به ادامه وجود یک دولت مقتدر در ایران علاقه ای نداشت، ولیکن با پایان جنگ، دوباره از دولت مقتدر در مقابل شوروی پشتیبانی میکرد که اوج آنهم در کودتای 28 مرداد است، و حتی با پیروزی انقلاب اسلامی این سیاست را تغییر نداد، تا زمانی که شوروی سقوط کرد، و از آن پس اساساً دولت مقتدر در ایران هدف انگلیس نبوده است. اما چه زمانی که انگلیس خواهان دولت مقتدر در ایران بود و چه در زمانی که نبود، نیروهای سیاسی طرفدار حکومت

متمرکز در زمانهای سیاست اول و طرفدار حکومت غیر متمرکز در زمانهای سیاست دوم دست نشانده انگلیس نمیشدند، همانگونه که پشتیبانی انگلیس از مشروطه خواهان باعث نشد کسی بگوید آنها عامل انگلیس هستند.

به همین صورت سیاستهای روسیه و آلمان و آمریکا و دولت های دیگر در زمانهای مختلف در ارتباط با ایران متفاوت بوده است. اگر مردم بخشی از ایران مثلاً در خراسان، گیلان، آذربایجان، کردستان یا بلوچستان در زمانهای مختلف پرچم حکومت ایالتی را برافراشتند و از پشتیبانی دولت های مختلف هم بر خوردار شدند نباید ما را به بیراهه برد و این جنبشها را عامل بیگانگان تصور کنیم. بالعکس بایستی ببینیم که آیا خواستها و برنامه های این جنبشها برای ترقی ایران \*فراسوی سیستم حکومتگری موجود\* درست بوده است یا نه. اگر هم این جنبشها به دامان قدرت های خارجی سقوط کرده اند مسؤولیت آن بخاطر حاسوسان بیگانه نیست بلکه مسؤولیت با نیرو هائی است که قادر نیستند فراسوی سیستم حکومتگری موجود را ببینند. در واقع نه تنها امثال قوام السلطنه در برابر این خواستهای بحق برای دولت های ایالتی در ایران دسیسه کردند و خود بیشتر از هر کسی با زد و بند کردن با بیگانگان این جنبش ها را سرکوب کردند، بلکه آندسته از نیرو های ملی ایران نیز که بخاطر عدم درک خواست آنهائی که فراسوی سیستم حکومتگری موجود میاندیشیدند به تحول بنیانی در سیستم حکومتی ایران لطمه زدند، مسؤول سوق دادن این نیروها بسوی قدرت های خارجی هستند. بیاد آوریم که پشتیبانی فرانسه از انقلاب آمریکا بمعنی دست نشانده فرانسه بودن انقلابیون آمریکا نبود، البته مگر در نظر انگلیس!

در دینای امروز اهمیت درک این مسأله بیشتر از آنچه در 21 آذر شاهدش بودیم [http://www.ghandchi.com/388-Lesson21Azar.htm]، است. دنیای گلوبال کنونی این امکان را برای اقلیتهای مختلف بوجود آورده است که اتحادهای فرا ملی برای خود ایجاد کنند [http://www.ghandchi.com/310-GlobalFed.htm]. از جنبش زنان که از سازمانهای بین المللی کمک گرفته و سالهاست از اینکه دیگران فمینیسم را تکفیر کنند ابائی ندارد، تا اقلیتهای مذهبی نظیر بهائیان، یهودیان، مسیحیان، و اهل تسنن در ایران، همگی از پشتیبانان بین المللی هم کیشان خود سود میجویند. اقلیت های قومی ایران نیز چنین میکنند و این هم کسی را عامل بیگانه نمیکند. کسانی که هنوز در مدل مشروطیت یکصد سال پیش درجا زده و حداکثر تبعیض در ایران را میپذیرند، که گوئی ما در ایران یک سیستم حکومتگری مدرن داریم و فقط در آن تبعیضاتی وجود دارد، مسأله بنیادین سیستم قرون وسطائی حکومتگری در ایران را درک نکرده اند، و همانطور که نوشتیم در همه طیف های اپوزیسیون ایران، این نگرش جنبش های بحق اقوام مختلف ایران برای تغییر بنیادین سیستم حکومتگری ایران را تحریک بیگانگان نشان میدهد. این برداشت محدود به اصلاح طلبان مذهبی نیست و این نگرشی است که بایستی در میان همه طیف های سیاسی ایران به چالش کشیده شود، وگرنه اینگونه نگرش ها به ادامه سیستم قرون وسطائی حکومتگری در ایران تداوم میدهد و نه آنکه به آن پایان دهد، سیستم حکومتگری ای که ریشه همه این تبعیضات است. یعنی ما سیستم مدرنی مانند آمریکا و آفریقای جنوبی نداریم که فقط تبعیض درون آنرا درست کنیم، و میبایست کل این سیستم حکومتگری دگرگون شود.

طرح حکومت فدرال برای سیستم حکومتگری آینده در ایران [http://www.ghandchi.com/700-KurdsIran.htm] برای رفتن فراسوی سیستم حکومتگری گذشته در ایران است و مهمترین خواست برای ترقی ایران است، نظیر طرح سکولاریسم کامل، و ایندو لازمه پایه ریزی دولت مدرن در ایران هستند و آنهائی که این طرح ها را برنامه بیگانگان و نفوذ اجنبی میخوانند خود مانع از پیشرفت ایران به جلو هستند و با عقب نگهداشتن کشور در محدوده سیستم حکومتگری گذشته، ایران را در برابر قدرت های خارجی خلع سلاح میکنند و بزرگترین متحدین ترقی و تحول آینده ایران را به صورت دشمنان آزادی ایران مینمایانند.

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

7 خرداد 1385

May 28, 2006

متن مقاله به زبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/443-mashrootiatEng.htm>

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/index-Page10.html>

<http://www.ghandchi.com/index-Page16.html>

-----  
مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>